«شرق» از یک وعده بر زمین مانده درباره ساماندهی مطالبات و جلوگیری از آسیب‌های تجمع خیابانی گزارش می‌دهد

نیاز به آشیانه اعتراض

شـرق: چند سالی است که با تشـدید تحریم‌ها و بروز فشـارهای اقتصادی و نادیده‌گرفتن برخی مطالبات اجتماعی و فرهنگی و سیاسـی مردم از سوی برخی مسئولان اجرائی، شـکل‌گیری تجمعات اعتراضی در شهرهای مختلف کشور، نسبت به گذشته نمود عینی‌تری پیدا کرده است. درواقع مردم در حوزه‌های مختلف مطالباتی دارند که قطعا مسئولان با توجه به عمومیت آن باید به دنبال برآورده‌کردن این خواسـته‌ها و ایجاد رضایت در سطح جامعه باشند؛ اما به دلیل نادیده‌گرفتن این مطالبات، یک بار مشـکلات اقتصادی سال ۹۶ زمینه‌ساز اعتراضات می‌شود و یک بار اعتراض به گرانی بنزین آبان ۹۸ را ماجراساز می‌کند و حالا هم اعتراض به مرگ دختر ۲۲ساله سنندجی در بازداشت پلیس و گشت ارشاد در سال ۱۴۰۱ باعث اعتراض عمومی می‌شود. برای همین شاهدیم باز هم مردم معترض به خیابان آمدند اما از آنجایی که همواره کسانی هستند که از آب گل‌آلود ماهی بگیرند و سعی کنند اعتراضات و مطالبات بحق مردم را با تخریب اموال عمومی به حاشـیه ببرند، بازهم با عملکردشـان این مطالبات با مباحث امنیتی گره خورد و مغفول ماند و بی‌شک این مسئله فضا را برای تندروهای سیاسی به وجود می‌آورد که زمینه عمل به مطالبات بحق و مدنی را با تعویق همراه کنند. البته یکی از دلایل تکرار این روند هم نادیده‌گرفتن اصل ۲۷ قانون اساسـی است که حق اعتراض و «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سـلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد» را «آزاد» می‌داند اما به‌جای اینکه قانون اساسـی که میثاق ملی اسـت، به‌طور کامل اجرا شود، پیش آمده است که مجلسـی‌ها با تصویب قوانین عادی مانع از اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی شدند و با قید شرط برای آن، برگزاری تجمع را منوط به گرفتن مجوز از وزارت کشور کردند؛ درحالی‌که به گفته نعمت احمدی که پیش‌ازاین به «شرق» گفته بود، در ۴۳ سال گذشته هرگز مجوزی از وزارت کشور برای حق تجمع اعتراضی مردم صادر نشده است. به نظر می‌رسد امروز زمان آن رسیده است تا با به رسمیت شناختن اعتراض‌های مدنی و ایجاد فضایی مناسب برای انجام این اعتراضات مسیر برای سوءاستفاده خاطیان داخلی و خارجی برای بهره‌برداری از مطالبه‌گری شـهروندان بسـته شـود. با همین نگاه بحث ضرورت تصویب قانونی درباره تجمعات اعتراضی، کمتر از دو ماه پس از اعتراض‌های سال ۱۳۹۶ بالا گرفت. همان زمان بود که مسئله ایجاد مکان قانونی برای تجمع اعتراضی از سوی برخی مسئولان مطرح و پیگیری شد. حتی شورای شهر پنجم در طرحی دوفوریتی کوشید طرح «تعیین مکان برای تجمعات» را برای به رسمیت شناختن اعتراضات قانونی تصویب کند. مجلس دهمی‌ها هم کوشیدند طرحی دراین‌باره تصویب کنند که به نتیجه نرسـید؛ چراکه هیئت وزیران با استناد به اصل ۲۷ قانون اساسی مصوبه‌ای دراین‌باره تهیه و آیین‌نامه «تشکیل تجمعات مردمی در اماکن خاص و تعیین‌شده» را مصوب کرد اما این آیین‌نامه به این دلیل که قانون اساسی در اصل ۲۷ محدودیت مکانی برای تشکیل تجمعات قرار نداده، از سوی دیوان عدالت اداری رد شد. در حالی دیوان عدالت اداری به بهانه مغایرت با قانون اساسی آیین‌نامه دولت را رد کرد که ناظران سیاسی و حقوقی معتقد بودند وقتی نمی‌توان یک اصل را به‌صورت کامل تحقق بخشید، باید در حد توان فعلی در تحقق آن کوشید.

حمایت از به رسمیت شناختن حق اعتراض

نکته درخورتوجه دیگر اینکه همان زمان اعتراضات سـال ۹۶ و سال ۹۸ برخی مقامات و نمایندگان مجلس موضع گرفتند و از ایجاد مکانی برای تجمع اعتراضی و حق اعتراض قانونی حمایت کردند اما رفته‌رفته این مسئله به فراموشی سپرده شد. این در حالی است که پیش‌ازاین و قبل از حمله تروریستی داعش به مجلس فضایی برای تجمعات مردمی مقابل مجلس شورای اسلامی وجود داشت که با تغییر ظاهر ساختمان مجلس و طرح توسعه، این فضا از مقابل مجلس جمع شد و مردم معترض دیگر فضایی برای تجمع ندارند. درحالی‌که در اکثر کشورهای مترقی فضایی شناخته‌شده برای تجمع معترضان در نظر گرفته شده است و برای مثال می‌توان به هایدپارک لندن اشاره کرد.

حالا هم در ماجرای اعتراضات اخیر باز هم زمزمه‌هایی از اجرای اصل ۲۷ قانون اساسـی از سـوی برخی نمایندگان مجلس شنیده می‌شود. دراین‌باره نماینده مردم مرودشت در مجلس و عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور این موضوع را مطرح و برای به نتیجه رسیدنش وعده داده است.

باید مکانی برای تجمعات اعتراضی در نظر گرفته شود

جلال رشـیدی‌کوچی دراین‌باره به «شـرق» گفت: «از عمده دلایل ناراحتی من این است که وقتی مردم از مسئله‌ای گلایه‌مند و معترض‌اند، مکانی برای بیان اعتراض و تجمع ندارند، به دلیل نبود مکان مناسب برای اعتراضات، مطالبه‌شان به بیراهه می‌رود». او افزود: «متأسفانه فرایند مشخصی برای نحوه اعتراضات در کشور وجود ندارد و بستر آن را فراهم نکرده‌ایم، به‌همین‌دلیل این اعتراضات به کف خیابان می‌آید و تبدیل به آشـوب می‌شود و اعتراض و خواست مردم این وسـط به حاشیه کشیده می‌شود و ابتر می‌ماند». عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور تأکید کرد: «به‌همین‌دلیل به‌صورت ویژه حتما این موضوع را پیگیری خواهم کرد که فرایند قانونی اعتراضات به رسمیت شناخته شود. طبق اصل ۲۷ قانون اساسی این حق مردم است که اگر اعتراضی دارند، این مطالبه را در تجمعات بیان کنند اما وزارت کشور مجوزی برای اعتراضات مردم صادر نمی‌کند و این حق عملا نادیده گرفته می‌شود».

رشـیدی‌کوچی تأکید کرد: «قانون اساسـی ما قانونی خوب و مترقی اسـت و توصیه می‌کنم در این ماجرا به قانون اساسـی مراجعه کنیم. چند ماه پیش در کمیسـیون شوراها و امور داخلی کشور در بحث ساماندهی NGOها و ثمن‌ها صحبت کردم که مردم ما نمی‌دانند وقتی به موضوعی اعتراض دارند، کجا و چگونه اعتراض و انتقاد خود را بیان کنند! به‌همین‌دلیـل یک زمانـی مقابل مجلس یک زمان مقابل قوه قضائیه و یک زمان مقابل نهاد ریاسـت‌جمهوری تجمع می‌کنند؛ یعنی مکان مناسـب تجمع‌ها وجود ندارد». او با تأکید بر اینکه مشخص‌شـدن مکان قانونی برای اعتراضات سـره را از ناسـره جدا می‌کند، گفت: «اگر فضایی برای اعتراضات مردم وجود داشته باشـد و وزارت کشور حق قانونی برای تجمعات مردم قائل شـود و به این اعتراضات مجوز بدهد، حساب مردم از آشوبگر و اغتشاشگر و ضدانقلاب جدا می‌شـود. اگر مجوز و فضای تجمع قانونی وجود داشته باشد، به اموال عمومی آسیب نمی‌رسد، همچنین هزینه‌ای به نظام تحمیل نمی‌شود».

این نماینده مسـتقل مجلس با حمایت از حق اعتراض قانونی مردم تأکید کرد: «وقتی مسیر اعتراضات قانونی برای مردم بسـته است و بستر آن را مهیا نکرده‌ایم، مردم مجبور می‌شوند برای اعتراض به کف خیابان بیایند. آنجا نمی‌شود سره را از ناسره تشخیص داد و همه چیز با هم تداخل پیدا می‌کند. پس اگر بتوانیم برای اعتراضات قانونی مردم مکانی تعیین کنیم که نحوه اعتراضات ساماندهی شود، یک دستاورد بزرگ است». او وعده داد که این موضوع را در کمیسیون متبوع خود پیگیری خواهد کرد تا به نتیجه مطلوب برسد.

حق اعتراض قانونی نادیده گرفته نشود

البته این‌طور نیست که اگر برای اعتراض مردم فضای مناسبی در نظر گرفته شود، مردم را به اعتراض تشویق کرده‌ایم و اگر این فضا را از آنها بگیریم و حق اعتراض قانونی نادیده گرفته شود، جلوی اعتراضات را خواهیم گرفت؛ بلکه با این کار نشـان می‌دهیم که مسـئولان و نظام حق اعتراض برای مردم قائل‌اند. دوم اینکه این پیام را دارد که صدای مردم از سوی آنها شنیده می‌شود و همچنین درصورتی‌که این اعتراضات نظم عمومی را به هم نزند، می‌تواند خط بین معترض و منتقد واقعی را با دیگر کسانی که اهداف دیگری را دنبال می‌کنند، جدا کند و این به نفع همه جریان‌های فعال اجتماعی خواهد بود. پس بهتر اسـت دراین‌باره هوشیاری به خرج داده شـود و جلوی تحمیل هزینه‌ها بعد از این در اعتراضات خیابانی گرفته شـود. اعتراض‌های مدنی بی‌شـک مورد تأیید همه سخنگویان سیاسـی و اجتماعی خواهد بود اما به رسمیت شناختن اعتراض‌ها و ایجاد آشیانه‌ای برای آن می‌تواند نمایی برای توجه به کارآمدی باشد.

صداوسیما با برپایی مناظراتی با حضور جامعه‌شناسان و فعالان سیاسی تک‌صدایی رسانه‌ای را به حاشیه برد

«شیوه» داغ

با افزایش اعتراض‌ها به مرگ مهسـا امینی و گسترش آن به سایر شهرهای کشور ناگهان شاهد بازشدن درهای صداوسـیما به روی مصلحان اجتماعی طردشـده‌ای بودیم که به اتهام اصلاح‌طلب بودن یا نبودن در گعده اصولگرایان به‌طورکامل بعد از وقایع ۸۸ جایی در رسانه ملی نداشتند. اقدامی مثبت و بسیار تأثیرگذار در میان افکار عمومی که بالاخره صداوسـیما را از تک‌صدایی خارج کرد. هرچنـد امید به تداوم چنین فضایی در آینده نه‌چندان دور با فروکش‌کردن اعتراض‌ها شـاید خوش‌بینانه باشد اما تجربه این دیدن و شنیدن صدای بخش خاموش‌شـده جامعه که اتفاقا مخاطبانش در اکثریت قرار دارند، می‌تواند در بازسازی اعتماد عمومی و آشتی بین مردم و رسـانه ملی مثمرثمر باشـد. این مناظره‌ها در تیم‌های دو نفره بین استاد عبدالکریمی و شهریار زرشـناس، محمد فاضلی و سعیدحاجی ناصری، تقی آزاد ارمکی و ابراهیم فیاضی، سعید شریعتی و جلیل محبی و شـهاب طباطبایی و علی خضریان برگزار شد. «شـرق» تا آنجایی که به متن این مناظره‌ها دسترسی داشت خلاصه‌ای از آن را ارائه می دهد.

تقـی آزادارمکـی: جامعه از مجموعه بحران‌ها خسـته شـده
ابراهیم فیاض: علوم انسانی را به‌شدت در ایران فقیر کرده‌اند

یکـی از مناظره‌هـای کم‌سـابقه در تلویزیون مربـوط به تقی آزادارمکی، جامعه‌شـناس و ابراهیم فیاض، جامعه‌شناس بود که توجه بسیاری از مخاطبان را به خود جلب کرد. به گزارش جماران برخـی از نکات مهمی که تقی آزادارمکی در انتقاد از رفتار گشـت ارشـاد در برنامه شیوه گفت، به این قرار اسـت: «این چه گرفتاری اسـت که ما فکر می‌کنیم جمهوری اسلامی دارد سقوط می‌کند؟! تظاهرات باشد، مگر دنیا پر از تظاهرات نیست؟ فکر می‌کنیم انقلاب کردیم و اسلام وارد ایران شد و شیعه شدیم! ایران یک پدیده تاریخی است. تاریخمند است. ما چرا باید از کوروش بترسیم؟ در ایران تاریخ را یک‌وجهی می‌نویسیم».

او همچنین گفت: «مشـکل این اسـت که جمهوری اسـلامی تنهایی را ترویج می‌کند! سـر جامعه را به اسـم بورژوازی بریدند. جامعه‌ای که به لحاظ اقتصادی بی‌سر است، طبقه متوسط شروع می‌کند سـر خودش را تراشیدن. جامعه از لحاظ فرهنگی صاحب ندارد! در بحران‌ها طبقه متوسـط است که باید میانداری کند؛ ولی نیست، مشروعش نکردیم. یک هنرمند، یک عکاس، یک روزنامه‌نگار و... که الان باید جامعه را میانداری بکند، کجاست؟. بعد مجبوریم از نیروی انتظامی دعوت کنیم برای آرام‌کردن و خشونت ادامه پیدا می‌کند». این جامعه‌شـناس تأکید کرد: «پنج سال در خیابان ماجرا باشـد ولی آن را امنیتی نکنید. نقطه قوت می‌شـود؛ جامعه فریاد بزند. دانشـگاهی‌ها کجا هستند؟ دانشگاهی! نه کسانی که معلوم نیست چه کسانی برایشان مقاله نوشته است».

ابراهیم فیاض، جامعه‌شـناس، در دیگر سـوی میز مناظره هم گفت: «شـوروی هم موشک داشـت؛ ولی فروپاشید، چون فرهنگ نداشـت. من از اول با گشت ارشاد مخالف بودم. گفتم گشت ارشاد سوسیالیستی است، در اسلام چنین چیزی نداریم. ما در مبانی اشتباه رفتیم، ما در قرون وسطا گرفتار شده‌ایم، بعد از ابوعلی سینا، ایرانی تمدنش متحرک است، یکجانشینی نیست، علوم انسانی را به‌شدت در ایران فقیر کرده‌اند. مدرنیزاسیون در ایران نمایشی است، همه‌اش پول نفت اسـت. طلبه‌هایی که در قم هسـتند که از دانشگاه تندتر هستند».

محمد فاضلی: جامعه ایران به‌شدت بالغ شده
حاجی‌ناصری: طبقه متوسط هم مخالف جمهوری نیست

محمد فاضلی، جامعه‌شـناس نیز در شبی دیگر میهمان افکار عمومی‌ای که مخاطب صداوسیما در این شب‌ها هستند، بود و در برنامه شیوه در تلویزیون گفت: ما تبدیل شده‌ایم به جامعه مسائل حل‌نشده! در زمان شـاه هم عده‌ای به جامعه‌شناس‌ها می‌گفتند حرف‌های غربی می‌زنید! در دولت شاه هم که به غرب‌گرایی متهم بود، عده‌ای به جامعه‌شناس‌ها می‌گفتند حرف‌های غربی می‌زنید! در آن حکومت هم که می‌خواسـت سـرتاپا غربی شـود، عده‌ای می‌گفتند این حرف‌ها غربی است! و شد آنچه شد! مردم مطالبه‌گر هسـتند، بر سر فساد، بر سر اشـتغال، بر سر زنان، بر سر مداخله در سـبک زندگی‌شان، بر سـر تخریب محیط زیسـت. مجموعه‌ای از تناقضـات را نمی‌توانید پوشـش دهید. به میلیون‌هـا نفر بگویید مقاومت کنید و بعد ببینید خودشـان طور دیگری زندگی می‌کنند! وسایل خودشـان را از جای دیگری می‌خرند، بچه‌هایشان در جای دیگری زندگی می‌کنند! من توییـت می‌زنم و می‌گویم که ابراهیم رئیسـی کار درستی کرد که با خانواده مهسـا امینی تماس گرفت. مخاطب به من ناسـزا می‌گوید و می‌گویـد که کدام یکی به نتیجه رسیده که این یکی برسد! جامعه ایران به‌شدت بالغ شده.

باید بدانیم جامعه ایران در چه وضعیتی است. فقط ۱۴ درصد متولد سال‌های قبل از انقلاب هستند، ۸۶ درصد پس انقلاب به دنیا آمده‌اند. این جامعه گسـترش یافته و رشـید و بالغ شده و تحصیل کرده است. این جامعه از برخی عارضه‌ها رنج می‌برد. نرخ بی‌کاری بسیار بالاست، حتی با نرخ‌های پایین مشارکت این بی‌کاری بالاست. بی‌کاری به شـکل نابرابری بین زن و مرد تقسـیم شده؛ مردان پنج برابر زنان شاغل هستند! نرخ بی‌کاری زنان ۱۳ درصد، نرخ بی‌کاری مـردان ۷.۲ درصد. در جوانان ۱۸ تا ۳۵ سـال، نرخ بی‌کاری مردان ۱۳.۸ و نرخ بی‌کاری زنان ۲۸،۳ درصد. جوان ۱۸ تا ۳۵ سال دوبرابر کل بی‌کار اسـت! تعداد دانشجویان زن ۲۰ هزار نفر بیش از مردان است، زنان بیشـتر دانشجو شـده‌اند؛ اما نرخ بی‌کاری آنها دوبرابر اسـت. نرخ مشـارکت اقتصادی آنها هم یک‌پنجم است. طبیعی اسـت که من مثل زنان اسـم این را بگذارم یک تبعیض ساختاری علیه زنان.

حاجی‌ناصری، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران، هم که دیگر سوی میز مناظره قرار داشت، گفت: «جوانان امروز احساس تعلق خاطر ندارند؛ فکر می‌کنند تبدیل به انسان‌های زایدی شده‌اند، همه فیلم رضا مارمولک را دیدیم. جایـی از فیلم خودزنی می‌کند و به بهداری می‌رود. آنجا با یک روحانی هم‌جوار می‌شـود. وقتی با این روحانی هم‌جوار می‌شـود، روحانی در وجـود رضا مارمولک یک انسان عاصی را می‌بیند که می‌خواهد علیه مناسبات موجود طغیان کند. روحانی برای اینکه رضا مارمولک را تسکین دهد، می‌گوید که برادر من به تعداد انسـان‌ها راه برای رسـیدن به خدا وجود دارد، همان حدیث معروف. رضا مارمولک به روحانی می‌گوید بالای منبر رفتـی ولمان کن. روحانی می‌گوید که فقط ما بالای منبر نمی‌رویم، خارجی‌ها هم بالای منبر می‌روند. در آنجا یک کتاب داستانی وجود دارد، شازده کوچولو. شـازده کوچولو در فهم این فیلم بسیار مهم اسـت. روحانی بخش‌هایی از داسـتان شـازده کوچولو را قرائت می‌کند. شـازده کوچولو به روباهی می‌گوید که من می‌خواهم با تو بازی کنـم، روباه می‌گوید تو نمی‌توانی با مـن بازی کنی چون من اهلی نشده‌ام، من تعلق ندارم، انس ندارم. رضا مارمولک از زندان فرار می‌کند، به سمت مرز می‌رود... مردم او را می‌بینند فکر می‌کنند روحانی است، پشت سر او نماز می‌خوانند. رضا مارمولک کم‌کم از عاصی بودنش خارج می‌شود. چرا؟ چون رضا مارمولک آنجا تعلق را احسـاس می‌کند و حس می‌کند که سودمند است. با این مقدمه می‌خواهـم بگویم که اگر جوان امـروزی طغیان می‌کند، به خاطر این اسـت که احساس تعلق ندارد. احسـاس تعلق از چه چیزی برمی‌آید؟ از اشـتغال، از داشـتن خانواده، از اینکه نقشی سودمند در جامعه دارد و جامعه او را به رسـمیت شـناخته است. جوانان امروز، دختر و پسر، امروز احساس تعلق خاطر ندارند. فکر می‌کنند تبدیل به انسـان‌های زایدی شـده‌اند. تورگنیف (نویسـنده مشهور روس) رمانی دارد به نام رودین، آنجا به نحو احسـن نشان می‌دهد که چگونه در جامعه روسیه انسـان‌های زیادی به وجود آورده‌اند به‌عنوان انسـان‌های زیادی! چنین انسـان‌هایی پایـگاه اجتماعی انقلاب ۱۹۱۷ روسیه شدند. جمهوری اسلامی مخالف طبقه متوسط نیست و طبقه متوسط هم مخالفت جمهوری نیست».

خضریـان: در بـازار مانتـوی پوشـیده و مناسـب نیسـت
طباطبایی: هر وقت خواستید بگویید من برایتان می‌آورم

در یکی دیگر از این مناظرات شـهاب‌الدین طباطبایی، دبیرکل حـزب ندای ایرانیان در برنامه جهان‌آرا در شـبکه افق با موضوع گشت ارشـاد و حجاب گفت: همه چیز را براساس سناریو بیان نکنید؛ اینها مردم عادی هسـتند، می‌خواهند زندگی آرامی داشته باشند. شما من را که در چارچوب حزب سیاسی هستم و دبیرکل یک حزب شـده‌ام و در چارچوب جمهوری اسـلامی کار می‌کنم، متهم به آنارشیسـم می‌کنید! به مردمی که در خیابان هستند چه می‌چسبانید؟ این کار را نکنید. علی خضریان نماینده تهران هم در مجلس در برنامه جهان‌آرا با موضوع گشت ارشاد و حجاب گفت: حاکمیت قانون چیزی است که همه باید روی آن به اجماع برسیم و قانون، فصل‌الخطاب باشـد. به نظرم حتی کسـانی که ابتدای کار معتـرض بودند، معتقد بودند در قضیـه اخیر، یک امر خلاف قانون رخ داده اسـت ولی آنچه در میدان عمل رخ داده، با آنچه اول در فضای مجازی شـاهدش بودیم متفاوت است. این نماینده جبهـه پایداری در مجلس ادامـه داد: از آن زمانی که دوسـتان آقای طباطبایی پونز روی پیشـانی مردم می‌چسباندند، گذشته‌ایم و خیلی تغییر کرده‌ایم! زمانی دولت همین دوستان می‌خواستند آن‌قدر اختیارشان را زیاد کنند که هیچ نظارتی روی آنها نباشد ولی امروز پلیس هم از نظارت مصون نیست. حتی رژیم صهیونیستی هم بـه آمبولانس حامل فلسـطینی‌ها حملـه نمی‌کند ولی در قضایای این روزها شـاهد حمله به آمبولانس بودیم. چرا کسانی که موضوع را جنسـیتی می‌کنند، درباره بانویی که چادر از سرش برداشتند یا درباره قتلی که شـهردار اسبق تهران انجام داده بود، به زنان اهمیت ندادند و اسمش را نگذاشتند پرستو؟ به نظرم اسم «زن» به یک اسم رمز برای رادیکالیسم تبدیل شده است. خضریان در ادامه تأکید کرد: در بازار مانتوی پوشـیده و مناسب نیست، که طباطبایی، دبیرکل حزب ندا در واکنش به این ادعا گفت: هر وقت خواستید بگویید من برایتان می‌آورم! خضریان اما همچنان مدافع ادامه فعالیت گشت ارشاد بود. او گفت: فردی که در خیابان نافش بیرون است، این کجای ذائقه قانونی ماست که طباطبایی در پاسخ گفت: من ندیدم! شـما یا دنبالش بودی یا نگاه کردی! شـاید در مجلس یکی از کارها این است که می‌روند بیرون تا ببینند چند نفر نافشان بیرون است.

ادامه در صفحه ۵

به نام هستی بخش

ما، درگذشت این مادر نمونه را به آقای **حامد سحابی** و خانواده‌های سحابی و عطایی و همه دوستان و آشنایان صمیمانه تسلیت می‌گوییم و از خداوند بی‌همتا صبر جمیل برای بازماندگان و آرامش و رحمت برای روان پاک وی خواهانیم.

هاشم آقاجری، ابوطالب آدینه‌وند، محمدصادق آخوندی، خسرو آذربایجانی، پرویز آذربایجانی، زینب آذرمند، فاطمه آذری‌قمی، صادق آرامش، محسن آرمین، حسن آصالح، حمید آصفی، زهره آقاجری، زهرا آقاجری، رضا آقاخانی، مسعود آقایی، پروانه آل‌بویه، سیدیعقوب آل‌شفیعی‌فومنی، سیدنادر آموزگار، محسن آویزگان، محمدرضا آهنی، محمدکریم آسایش، هامون آذر، وحیده آویژه، محمد ابراهیم‌زاده، حمیده ابراهیمی، زهرا ابراهیمی، حمید احراری، محسن احمدوند، محمدرضا احمدی، زینب احمدی، طاهره احمدی، وحید احمدی، شهروز احمدی، علی‌اکبر اخوه، مهران ارژنگ، حسین ارغوانی، هدی اسدی، زهرا اسدی، کبری اسدی، حکیمه اسدی، بهاره اسدی، خسرو اسدی، حسن اسدی‌زیدآبادی، حمیدامین اسماعیلی، اشرف بروجردی، اشرف منتظری، فروزان آصف‌نخعی، اطهر نادری، اکرم‌السادات اعتصامی، محبوبه اعرج‌شروانی، اعظم زرین‌کمر، اعظم نوری، دانیال افتخاری، مریم افرافراز، محمدرضا افشاری، فهیمه افشاری، فرزانه افشاری، عباس اقبال جلال اقتداری، اقدس قاسمی، اکبر دانش‌سراوردی، علیرضا اکبرزادگان، اعظم اکبرزاده، اکرم زینالی، شهربانو امانی، زهره امانی، شهناز امجدی، امید شیروانی، امیر خرم، امیر رضایی، امیر طیرانی، امیرحسین مرتضایی، امیرحسین جهانی، امیرخسرو دلیرثانی، بابک امیری، محسن امین‌زاده، مرتضی امینی، رضا امینی، کیمیا امینی، کیوان انصاری، فاطمه انصاری، کیمیا انصاری، عزیزه انظاری‌بخشایش، مژگان اورند، مرتضی اوسطی، لی‌لی ایپکچی، لیلا ایپکچی، سعیده ایزدی، علی باباچاهی، مصطفی بادکوبه‌ای‌هزاوه‌ای، هاشم باروتی،ابوالفضل بازرگان، محمدرضا باقری، علی باقری، مریم باقی، امیر بانشی، آرزو باهر، بتول اسدی، یاسر بختیاری، اکبر بدیع‌زادگان، مجتبی بدیعی، منصور بذرپور، محترم براتی‌منش، محترم براتی‌منش، امیدرضا بردبار، اشرف بروجردی، بهروز برومند، فرشته بقایی، رویا بلوری، محمدحسین بنی‌اسدی، سیدمحمدرضا بنی‌طبا، عماد بهاور، جلال بهرامی، مهری بهروز، امید بهروزی، قربان بهزادیان‌نژاد، حمید بهشتی، بهمن گودرززاده، بهنام بیات، صفا بیطرف، افشین بیگدلی، بیوک سعیدی، محسن پاینده، مسعود پدرام، مرت پدریان، مهناز پزشک، مهدی پناهی، عاطفه پهلوان، عباس پوراظهری، حسن پورعظیم، محمد پورنصرالله، حسن پویا، حمید پیروی، حبیب‌الله پیمان، عباس پیمانی، مسعود پیوسته، مصطفی تاجزاده، مهسا تاجیک، محمدرضا تحویلداری، سونیا ترکمن، علیرضا ترکی، عزّت‌الله تقواییان، تقی حق‌بین‌آذر، مصطفی تنها، آهو تهرانی، مجتبی تهرانی، فرهاد توانا، محمد توسلی، ناهید توسّلی، عباس توکل، مهناز توکلی، مرتضی توکلی، مجید تولایی، رضا تیموری، درخشنده تیموریان، حسین ثاقب، مریم ثروتی، ثریا دانا، روزبه جامه‌شورانی، حسین جزایری، سیدعلاءالدّین جزایری، علیرضا جعفری، غلامرضا جعفری، محمد جعفری، محمدمهدی جعفری، مریم جعفری، غلامرضا جعفری، جلال رنجبران، سیّدکمال جلال‌الدینی، هادی جلالی‌زاده، حمیدرضا جلایی‌پور، سودابه جنتی، لاله جنگی، علیرضا جنگی، امین چالاکی، معصومه چراغی، محمد چهره، فاطمه حاتمی‌مجومرد، رضا حاجی، امیرحسین حاجیان، ناصر حاجیان‌مطلق، یونس حاجی‌زاده، محسن حافظی، محمود حائری، محترم حبیبی، فرزانه حجت، فرزانه حجت، مهرداد حجّتی، غلامرضا حجّتی، مهرداد حجّتی، حمید حدیثی، زهره حری، حسن حسنی، حسن شمس، حسین حسن‌پور، محمدعلی حسن‌نژاد، حسین ارغوانی، حسین ثاقب، حسین خانی، حسین میری، حسین نوری‌زاده، سیدعلی حسینی، سیدمحمود حسینی، میرسلیمان حسینی‌مقدم، عبدالعلی حسینیون، بهزاد حق‌پناه، جمشید حقگو، وحید حقیقی، عبدالکریم حکیمی، ابوالفضل حکیمی، مجید حکیمی، محمدرضا حمسی، حمید حسنی، نرگس حمیدی، محمدسعید حنایی‌کاشانی، فتح‌الله حنیف‌زاده، زهرا حیدرزاده، محمد حیدرزاده، محمد حیدری‌رنانی، رضا خاتمی، آروین خادم‌مولا، علیرضا خادمی، ولی‌الله خانبابایی، حوریه خانپور، مژگان خانزاده، محمود ختایی، علیرضا خداوردی، علی‌اصغر خدایاری، امیر خرم، جلال خرمن‌بیز، منصوره خسروشاهی، منصوره خسروشاهی، طاهره خلج، محمد خطیبی، محمد خلیلی، امید خوارزمیان، محمدحسین خوربک، اسماعیل خوش محمدی، سوسن خوشدل، ابراهیم خوش‌سیرت، محمد خیرالدین، ناصر دانشفر، مصطفی دانشگر، احمد دانشی، امیرحسین داوودآبادی، منیژه داوودی، محمدحسن داوودی، رضا دبیر، محمدجواد دردکشان، فاطمه دردکشان، محمود دردکشان، سعید درودی، وحید دستگاه‌دار، مهری‌دخت دفتری، معصومه دهقان، میلاد دهقانی، رسول راست‌گفتار، فتح‌الله ربانی، محمدصادق ربانی‌املشی، زهرا ربانی‌املشی، غلامرضا رجایی، حسین رجایی، سهیلا رجایی، علیرضا رجایی، علیرضا رجبیان، محترم رحمانی، زهرا رحمانی، جواد رحیم‌پور، روح‌الله رحیم‌پور، فتح‌الله رحیم‌زاده، اکرم رحیمی، زهرا رحیمی، مجتبی رحیمی، جلال رستمکلایی، یونس رستمی، محمدصادق رسولی، مریم رسولیان، حمیدرضا رسولیان، رضا دبیر، رضا رستمی، رضا کشاورز، بهمن رضاخانی، سعید رضادوست، محمّد رضایی، امیر رضایی، احد رضایی، نیلوفر رفعتیان، حسین رفیعی، زهرا رفیعی، علی رمضان، علیرضا رنجبر، ساناز روزبهانی، سیدتورج ریحانی، لیلا زارع، اکبر زارع، رقیه زارع پورحیدری، عزیزه زارع‌پورحیدری، اعظم زارعیان، امیر زرین‌کمر، مهدی زمانی، جعفر زمانی، محسن زمانی، اکبر زمانی، زهرا احمدی‌پور، اکرم زینالی، رضا ژند، فرزاد ساجداردبیلی، علیرضا ساریخانی، امرالله ساعدی، مینا ساکتی، نرجس سالاری، رضا سالیانی، سونا سامی، مهرداد سایه‌وند، سیدجعفر سبحانی، رضا سپهری، سپیده جدیری، محمد ستاری‌فر، جعفر سجودی، فریدون سحابی، سعید سحابی، زهره سحابی، دره سحابی، هستی سحابی، نشاط سحابی، سارا سحابی، نصیر سحابی، نگین سحابی، آذین سحابی، ثمین سحابی، افشین سحابی، هومن سحابی، مهستی سحابی، بهرام سحابی، بابک سحابی، بهروز سحابی، بهزاد سحابی، نشاط سحابی، عیسی سحرخیز، حسین سحرخیزان، محمود سرآبادانی، حسین سربندی، میثم سعادت، سعید فاضل، سعید مرزبان، سعید منتظری، بهزاد سعیدپور، سعیده ایزدی، سعیده سعیدی، پروانه سلحشوری، فرامرز سلطانخواه، عبدالفتاح سلطانی، علی سلطانی‌اصفهانی، داوود سلیمانی، فاطمه سلیمانی، سمانه سهرابی، سهیلا بردی، سیدابراهیم حجازی، سیدامیرهاشمی‌سبزوار، سیدخلیل حسینی‌عطار، سیدعبدالمجید الهامی، سیدعلاءالدین جزایری، سیدعلیرضا بهشتی‌شیرازی، سیدمحمد رنجبران، مصطفی سیدمیررمضانی، فواد سیدمیررمضانی، لاله شاکری، تقی شامخی، آسیه شامخی، آمنه شامخی، یحیی شامخی، رسول شاهرخ، علی شاه‌زیدی، شهرام شاه‌محمدی، حامد شجاعی، مهدی‌سادات شجاعی، مریم شربت‌دارقدس، احسان شریعتی، مهدی شریعتی، مونا شریعتی، سوسن شریعتی، سارا شریعتی، سعید شریعتی، حسن شریف زاده، احسان شریف‌ثانوی، مهدی شعبانی‌خلج، روح‌الله شفیعی، انوشیروان شکری‌نوشنق، صدیقه شکوری‌راد، علی شکوری‌راد، احمد شمس، ماشاالله شمس‌الواعظین، شمسی داوودی، پرویز شهپر، مقداد شهدادیان، شادیه شهیدی، احد عبدالحسین‌وند، شهین علوی، شهین‌دخت قاسمی، علی شیخ‌الاسلامی، محمد شیخ‌الاسلامی، محمد شیخ‌الملوکی، مجید شیعه‌علی، محمد صابر، فیروزه صابر، سعید صاحب‌محمدی، یحیی صادقلو، فاطمه صادقی، مسعود صادقی، مرتضی صارمی، هاشم صباغیان، سعید صحبتی، صغرا صحرانورد، سرور صحرانورد، اعظم صدر، رضا صدر، سعید صدقیانی، اکبر صدیقی، فضل‌الله صلواتی، جمال صمصامی‌پور، کیوان صمیمی، محمدعلی صنیعی‌منفرد، احمد صیام‌پور، جلیل ضرابی، علی ضیایی‌ها، طاهره دهقان، فاطمه طاهری، مهکامه طاهری، پرویز طاهری، مهستی طاهری، امیر طاهری، فرید طاهری، طیبه طاهریان، علی‌اکبر طاهری‌قزوینی، طاهره طالقانی، علی طراح، مرضیه ظفر، اسدالله عابدی، مهین عابدی، حمیدرضا عابدیان، مرتضی عباس زاده، محمدلطیف عباس‌پناه، محمّدلطیف عباس‌پناه، نصرالله عباسی، احد عبدالحسین‌وند، عبدالکریم حکیمی، طهماسب عبداللهی، عباس عبدی، علیرضا عبدی، علی عبدی‌انبوهی، مسعود عرب‌زاده، فیض‌الله عرب‌سرخی، بهزاد عربگل، سهراب عسکری، مسعود عسگری، نازی عصایی، آتوسا عطایی، فرخ عطایی، فرهاد عطایی، بهرام عطایی، لیلا عطایی، امیر عطایی، عصمت عطایی، روئین عطوفت، سیدهادی عظیمی، مرضیه عظیمی‌نیا، محمدباقر علوی، محمدرضا علی‌حسینی، هانیه علیزاده، طاهره علیزاده، نیما علی‌محمدی، آسیه علی‌نژاد، محمد علینی، محمود عمرانی، مرضیه عمید، علی‌اصغر غروی، نورالدین غروی، علیرضا غروی، ماجد غروی، مسیح غروی، سعید غفارزاده، کریم غفاری، محمدعلی غفاریان، علی غفرانی، نسرین غلامحسن‌زاده، مهدی غنی، فریده غیرت، یاشار فارسی‌منش، فریبا فارسی‌منش، لیدا فاضلی، باقر فتحعلی‌بیگی، منیژه فتحی، فریدون فتوحی، مهدی فخرزاده، ژاله فرامرزیان، محمدمهدی فرخی، احمدعلی فردوسی، غفار فرزدی، حسین فرزین، شیرین فرقانی، مصطق فرقانی، سعید فرمد، علی‌محمّد فرهانی، فرید خاتمی، علی فریدیحیایی، مسعود فصیحی، حسین فلاح، سیده‌نادیا فهری، طاهره قابل، هادی قابل‌جامی، شیلا قاسمخانی، ابوالفضل قدیانی، محمد قربانی، فرخنده قربانی، زهرا قزلباش، خسرو قشقایی، ماهرو قشقایی، مهدی قمشی، نظام‌الدین قهاری، لاله قهرمانی،مصطفی قهرمانی، حجت قیاسی، شهرام کرمی، فریده کاتوزیان، محمدرضا کارخانه‌چین، رحمان کارگشا، احمد کاروری، کیارش کاظمی، بتول کاظمی، عباس کاظمی، علیرضا کاکاوند، زهرا کاکایی، محمدرضا کدیور، محسن کدیور، کبری کربلایی، حسین کربلایی، جواد کرمی، علی کریمی، محمد کریمی، بشیر کریمی، زهره کریمیان، مصطفی کشاورزی، فتانه کفاشیان، عبدالله کفعمی، روح‌الله کلانتری، منیر کمالی، فرج کمیجانی، صدیقه کنعانی، نورا کنعانی، الهه کولایی، ناهید کوه‌شکاف، ابوالقاسم کیا، محمّد کیانوش‌راد، بهناز کیانی، اسد کیایی، رسول کیوان‌فر، بهروز گرانپایه، علی گرجی، هادی گرزین‌مطاعی، سمانه گلاب، بیژن گل‌افرا، جعفر گلرخ، محمّدحسن گلرخیان، پریسا گنجی، جعفر گنجی، فاطمه گوارایی، حسین گودرزی، آرش لطفی، لیلا لیاقت، احسان مالکی‌پور، مسعود مانیان، مرتضی مبلغ، محمود متقی، الهام متولی‌زاده، حسین مجاهد، حسین مجتهدی، سیدروح‌الله مجیدی، مصطفی محب‌کیا، فخرالسادات محتشمی‌پور، اعظم محقق، ساناز محسنی‌زاده، زهره محققی، محمد محمدی، حمیدرضا محمدنژاد، علی محمدی، سعید محمدی، نرگس محمّدی، نگار محمّدی، محمد محمدی‌اردهالی، محمود نکوروح، سیدعلی محمودی، مهدی محمودی، امیر مختاری، سعید مدنی، مهرداد مرادخانی، عبدالله مرادی، قاسم مرادی، محمد مرادی، یاسر مرادی، مینو مرتاضی‌لنگرودی، مرتضی نورمحمدی، فرید مرجایی، مریم حقیقت، علی مزروعی، مژگان خانزاده، مسعود مسعودی، متین مسکین، مسعود مسکین، رضا مسموعی، منوچهر مشیری، اکرم مصباح، لیلی مصطفوی، محمد مصلحی، محمدجواد مظفر، مهدی مظفری، مهدی معتمدی‌مهر، معصومه طوفان‌پور، احمد معصومی، زهره معظمی، سعید معیری، عباس معینی، بدرالسادات مفیدی، محمدرضا مقیسه، جعفر ملاحسنی، رحمت‌الله ملکی، علی ملک‌پور، دانا ملک‌زاده، ابراهیم ملکی، کاظم ملکی، اصغر ممبینی، ایمان ممکن، آذر منصوری، پوران منصوری، خسرو منصوریان، منیژه فتحی، مهدی فخر، علی مهرداد، هادی موتمنی، ژیلا موحدشریعت‌پناهی، عبّاس موسایی، محمدباقر موسوی، سیدمرتضی موسوی، سلمان موسوی، محمد موسوی، علی مؤمنی، عبدالله مومنی، منصوره مومنی، لطف‌الله میثمی، محسن میردامادی، قاسم میرزایی‌نیکو، سیدحسین میرسیدحسینی، علی‌رضا میرشکار، اشرف میرعبّاسی، زینب میرعبدلی، فخرالسّادات میرفتّاحی، عبدالحمید ناصرپور، ناصرهاشمی، عبدالله ناصری‌طاهری، محمد نانکلی، مریم نجابتبخش، افسانه نجاتی، آرش نجبایی، ابوالفضل نجفی، بهناز نصر، محمد نصراللهی، مریم نصری، حمید نصری، علی نظری، مزدک‌علی نظری، سعید نعیمی، محمد نعیمی‌پور، حسین نقاشی، محمود نکوروح، علی‌محمّد نمازی، محبوبه نمازی، سینا نوربخش، مهدی نوربخش، محمدرضا نوری، حسین نوری‌زاده، سهیلا نیک‌اقبالی، سودابه نیک‌خواه، آرش نیکنام، فاطمه نیلی، مصطفی نیلی، محمّدامین هادوی، احمد هادوی، محمدهادی هادی‌زاده‌یزدی، سیداکبر هاشمی، هادی هاشمی، احمد هاشمی، محمد هاشمی، الهام شریفی، سیدعبدالمجید الهامی، علیرضا همتی، علیرضا هندی، الهه کولایی، مسعود هوشمندرضوی، مهرگان وثوق، وحید احمدی، علی وحیدی، رسول ورپایی، محسن ورع، صدیقه وسمقی، شهین وفابخش، شهین وفابخش، حسین وفاپور، هادی وکیل‌زاده، معین وکیلی، رحیم یاوری، حمید یوسفی، ثریا یوسفی، زهره یوسفی، ناهید یوسفی، مهدی یوسفیان، حسین یوسفیان